



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۳ بهمن ۱۳۹۱

مصادف با: ۱۰ ربیع الاول ۱۴۳۴

جلسه: ۱۸

موضوع کلی: توثیقات خاصه و عامه

موضوع جزئی: راه‌های توثیق عام- مشایخ ثقات

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در اشکالات مرحوم آقای خوبی در مورد مشایخ ثقات بود، عرض کردیم درباره جمعی از بزرگان که در تعداد آنها اختلاف است، گفته شده «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة»، قدر متیقن از این گروه سه نفرند؛ ابن ابی عمیر، محمد بن احمد بن ابی نصر بزنطی و صفوان بن یحیی. مرحوم آقای خوبی چهار اشکال به این مطلب دارند که ما این اشکالات را بیان کردیم و به سه اشکال پاسخ دادیم.

اشکال چهارم این بود که اگر این مطلب درست باشد که این جماعت «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» پس چرا خود مرحوم شیخ طوسی که اساس این ادعا از طرف ایشان مطرح شده و نجاشی و دیگران، بعضی از مشایخ را تضعیف کرده بلکه نسبت به ضعف برخی از این مشایخ حتی اتفاق نظر هم وجود دارد.

بررسی اشکال چهارم:

این اشکال در بین اشکالات مطرح شده از طرف مرحوم آقای خوبی مهمتر از بقیه اشکالات است، پاسخی به این اشکال داده شده بود که مورد مناقشه قرار گرفت، حال باید ببینیم آیا این اشکال قابل دفع است یا خیر؟ ما عرض کردیم که خود مرحوم شیخ در واقع به نوعی شهادت داده بر وثاقت مشایخ این جماعت و بر خلاف فرمایش آقای خوبی صرف یک اجتهاد و استنباط نیست و خودش هم بر طبق این شهادت عمل کرده و در تهذیب و استبصار و سایر کتب یادآوری کرده که به این مطلب اعتماد دارد و به آن اتکاء کرده است و حتی در بعضی از موارد به استناد مراسیل ابن ابی عمیر فتوا هم داده است. اما در بعضی موارد مراسیل را مورد مناقشه قرار داده که اگر در بعضی موارد مثلاً نسبت به مراسیل ابن ابی عمیر مناقشه کرده چگونه این را می‌توان با این شهادت جمع کرد که از یک طرف شهادت داده این اشخاص «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» و از طرفی خودش نام کسانی را برده که ضعیف هستند یا به طور کلی به مراسیل آنها اعتماد نکرده است. پس اشکال متوجه مناقشه خود شیخ در بعضی موارد نسبت به مراسیل اشخاص مذکور است. پس در واقع ما در دو نقطه باید این مشکل را حل کنیم؛ یکی اینکه چرا شیخ در بعضی موارد مراسیل این جماعت را مورد مناقشه قرار داده و دوم اینکه تضعیف بعضی از مشایخ این گروه توسط شیخ و دیگران چگونه با شهادت شیخ بر اینکه این افراد «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» قابل جمع است؟

مطلب اول:

اما در مورد مطلب اول یعنی مواردی که شیخ در مراسیل بعضی از این جماعت مناقشه کرده یک پاسخ کلی داده می‌شود که آن را عرض خواهیم کرد اما ابتدائاً به چند نمونه از مناقشات شیخ اشاره می‌کنیم؛ مثلاً در مورد مقدار کَرّ روایت وارد شده که مقدار کَرّ هزار و اندی رطل است، در اینکه منظور از رطل عراقی است یا بغدادی و یا مکی اختلاف واقع شده و شیخ طوسی در این رابطه روایاتی را نقل کرده و به استناد آن روایت رطل را بر رطل عراقی حمل کرده و در وجه این حمل گفته وقتی ما به روایات مراجعه می‌کنیم روایاتی که در آنها رطل عراقی ذکر شده مقدم است چون در روایات دیگر ابن ابی عمیر وجود دارد.^۱ درست است که این صریح در ضعیف نیست ولی اشاره به وهن و ضعف بعضی از روایات ابن ابی عمیر دارد.

یا مثلاً شیخ طوسی در باب ولاء عتق روایتی دارد که می‌گوید: اولین و مهم‌ترین مشکل این روایت این است که مرسله است لذا با اخبار مسنده معارض نیست.^۲ مواردی که مثل این دو مورد شیخ به خاطر مرسله بودن روایتی از ابن ابی عمیر آن روایت را کنار گذاشته باشد خیلی کم است ولی باید از آن پاسخ داده شود و ما به این پاسخ قبلاً اشاره کرده‌ایم.

پاسخ کلی این است که موارد مورد مناقشه توسط شیخ مربوط به باب تعارض است، در همین مسئله عتق که شیخ به صراحت در مرسله ابن ابی عمیر مناقشه کرده دو طائفه روایت وجود دارد که در یک طرف سه روایت مسند و یک روایت مرسل است و در طرف مقابل هم مرسله ابن ابی عمیر است که در مقام تعارض بین سه روایت مسند که مؤید به یک مرسله هم می‌باشد و در مقابل فقط مرسله ابن ابی عمیر است، ایشان مسندها را ترجیح داده و این بدیهی است که طرفی که هم روایت آن متعدد است و هم مسند بر طرفی که روایت آن یکی و آن هم مرسل است مقدم است، مرحوم شیخ می‌فرماید: «ما کان هذا سبباً لایعارض به الأخبار المسندة»؛ روایتی که مرسله باشد نمی‌تواند به وسیله آن با اخبار مسنده معارضه شود پس این عبارت دلالت می‌کند بر اینکه اگر مرحوم شیخ مرسله را کنار گذاشته به خاطر این است که بین آن روایت و روایات دیگر که مسندند تعارض واقع شده لذا در همه مواردی که شیخ مرسلات ابن ابی عمیر را تضعیف کرده حتماً مربوط به باب تعارض بوده که در مقابل آن روایت مسند قرار داشته لذا این مطلب منافاتی با شهادت مرحوم شیخ به اینکه این گروه «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» ندارد.

استشهاد محقق خویی به کلام محقق حلی:

مرحوم آقای خویی برای تأیید اشکالی که به شیخ طوسی ایراد کرده به کلامی از محقق حلی هم که نزدیک به عصر شیخ بوده اشاره کرده و می‌گوید شاهد بر اینکه شهادت شیخ مخدوش است این است که محقق هم در مراسیل ابن ابی عمیر مناقشه کرده است «و لو قال مراسیل ابن ابی عمیر یعمل به الاصحاب منعنا ذلك لأن فی رجاله من طعن الاصحاب فیه و اذا ارسل احتمال أن یكون الراوی احدهم»^۳ محقق به صراحت می‌فرماید: ما قبول نداریم که کسی بگوید اصحاب به مراسیل ابن ابی عمیر عمل می‌کرده‌اند؛ چون مشایخ و رجال ابن ابی عمیر بعضاً از کسانی هستند که مورد طعن اصحاب واقع شده‌اند و اگر ابن ابی عمیر

۱. استبصار، ج ۱، ص ۱۱.

۲. تهذیب، ج ۸، ص ۲۳۳، ح ۹۳۲ و استبصار، ج ۴، ص ۸۷، ح ۳۷.

۳. المعتمد فی شرح المختصر، ص ۴۱.

روایتی را به صورت مرسله نقل کند احتمال اینکه آن روای که نام او ذکر نشده یکی از کسانی باشد که مورد طعن قرار گرفته وجود دارد، البته بیان محقق مختص به مراسیل نیست و شامل مسانید هم می‌شود؛ یعنی این گونه نیست که اشکال فقط متوجه مراسیل باشد چون دلیل محقق این است که: «لأن فی رجاله من طعن الاصحاب فیه»؛ چون در رجال ابن ابی عمیر و مشایخ او کسانی وجود دارند که اصحاب آنها را مورد طعن قرار داده‌اند، پس بیان محقق، نقض بر شهادت شیخ محسوب می‌شود و ما نمی‌توانیم شهادت شیخ را قبول کنیم^۱.

بررسی کلام محقق خوئی:

به نظر می‌رسد آنچه مرحوم آقای خوئی گفتند نمی‌تواند نقض بر شهادت شیخ باشد چون اگر این عبارت از محقق نقل شده در مقابل، محقق در موارد دیگر به همین مراسیل اعتماد کرده است، مثلاً ایشان در بحث کر فرموده: «الثالث رواية محمد بن ابی عمیر عن ابی عبدالله (ع): الكرّ الف و ماتا رطل، دل علی هذا عمل الاصحاب و لا طعن فی هذه بطریق الإرسال لعمل الاصحاب بمراسیل ابن ابی عمیر»^۲ مقدار کر ۱۲۰۰ رطل است و دلیل این مطلب عمل اصحاب است و ارسال روایت ابن ابی عمیر لطمه‌ای به این مطلب نمی‌زند چون اصحاب به مراسیل او عمل کرده‌اند. پس اگر مرحوم آقای خوئی با تمسک به کلام محقق حلی شهادت شیخ را نقض می‌کند عرض می‌کنیم محقق در عبارتی که ذکر شد شهادت مرحوم شیخ را تأیید کرده و حداقل این است که اگر این عبارت محقق تأیید بر شهادت مرحوم شیخ نباشد عبارتی هم که آقای خوئی نقل کرد نمی‌تواند نقض بر شهادت شیخ باشد.

بر فرض هم اگر ما به عبارت اول محقق که مرحوم آقای خوئی آن را ذکر کردند اخذ کنیم و این عبارت دوم را نادیده بگیریم باز هم می‌توان بین کلام محقق و شهادت شیخ جمع کرد به این نحو که بگوییم شیخ که شهادت داده این افراد «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» ناظر به وثاقت مشایخ این افراد است یعنی شیخ معتقد است مشایخ ابن ابی عمیر، صفوان و بزنی ثقة هستند اما محقق که می‌گوید به مراسیل ابن ابی عمیر توجه نمی‌شود در واقع به مسئله وثاقت کاری ندارد بلکه اینکه می‌گوید اصحاب مشایخ او را طعن کرده‌اند، این طعن از جهات دیگری است؛ چون طعن می‌تواند علل مختلفی داشته باشد؛ اولاً ممکن است این طعن به خاطر عدم وثاقت باشد ثانیاً؛ می‌تواند به خاطر علو باشد و ثالثاً؛ می‌تواند به خاطر مذهب او باشد مثلاً راوی غیر امامی باشد. پس اگر اصحاب راوی را طعن کرده‌اند می‌تواند به خاطر غیر امامی بودن او باشد و شیخ که می‌گوید «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» به خاطر وثاقت راوی است و این دو هیچ منافاتی با هم ندارد و قابل جمع هستند لذا عبارت محقق نمی‌تواند نقض بر شهادت شیخ باشد. پس در مجموع در مطلب اول که به طور کلی گفتیم در بعضی عبارات شیخ نسبت به مراسیل مناقشه شده اشکالی متوجه شیخ نیست، عمده بحث در مورد مطلب دوم و افرادی است که خود شیخ به صراحت آنها را تضعیف کرده که انشاء الله این مطلب را در جلسه آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. معجم الرجال الحدیث، ج ۱، ص ۶۵.

۲. المعتبر فی شرح المختصر، ص ۱۰.